

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله

شرح زیارت عاشورا (۱۳)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي خَلَّتْ بِفَنَائِكَ

تا گریه بر حسین تمنای خلقت است
نزدیک می کند دل ما را به هم حسین
مقبول اگر شد است نمازی که خوانده ایم
ما از غدیر سینه زن کربلا شدیم
پیدا شدیم هرچه در این راه گم شدیم
یعنی فقط حسین چراغ هدایت است

اباعبدالله الحسین علیه السلام می فرماید: «مَنْ أَتَانَا لَمْ يَغْدَمْ خَصْلَةً مِنْ أَرْبَعِ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ وَ قَضِيَّةٍ عَادِلَةٍ وَ أَحَا مُسْتَفَاداً وَ مُجَالَسَةَ الْعُلَمَاءِ» (کشف الغم، ج ۲، ص ۸۰۲) «هرکس به نزد ما آید (و به سیره اهل

بیت (ع) تمسک جوید) چهار خصلت را از دست نمی دهد (حداقل از چهار خصلت بهره مند می شود) ۱-
نشانه های محکم و استوار می شنود ۲- از قضاوتی عادلانه برخوردار می گردد ۳- با برادری سودمند و
پرفایده روبه رو خواهد شد ۴- اجر و پاداش مصاحبت و مجالست با علما و دانشمندان را خواهد برد.

موضوع تدبر: منظور امام علیه السلام از «مَنْ أَتَانَا» (کسی که به سوی ما بیاید) و همچنین بیان ثمرات آن در قالب چهار (مِنْ أَرْبَعِ) خصلت، حامل چه پیامی برای پیروان آن حضرت است؟

پاسخ اجمالی: پیام این سخن نورانی اباعبدالله (ع) این است که به این طرف و آن طرف سرگردان نباشید، اقبال شما به اهل بیت علیهم السلام و آشنایی و پیروی از آنها، یعنی آشنایی با حقیقت اصول دین و اعتقادات، اخلاقیات و عمل به شریعت (احکام و فروع دین)، یعنی بهره بردن از سه علمی که رسول الله صلی الله علیه و آله یادگیری آن را بر هر مسلمانی واجب فرموده است: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ، أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ، وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ» [اصول کافی، جلد ۱، ص ۳۲] - (علم حقیقی سه چیز است اصول عقاید، اخلاق و احکام و غیر از اینها فضل است). یقیناً علمی که یادگیری آن بر همگان واجب باشد و به عبارت دیگر تحصیل آن واجب عینی است، علمی است که ساختار وجودی انسان الهی، هدف خلقت و سعادت دنیا و آخرت، به آن بستگی تام و تمام دارد.

هین مگو ما را در آن در، بار نیست
با کریمان، کارها دشوار نیست

پاسخ تفصیلی: در این فراز از زیارت عاشورا «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهاً بِالْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ - (خدایا مرا نزد خود به وسیله حسین علیه السلام در دو عالم وجیه و آبرومند گردان).
کلمه اللهم یعنی همه چیز را فقط باید از خدا خواست و چشم امید به غیر نداشت. کلمه دوم (عندک) می
باشد. یعنی همت را بالا بگیر و در خواست تو متوجه آنچه نزد محبوب است باشد. که بالاترین آبرومندی
آبرومندی نزد خداست..

کلمه سوم وجیه می باشد.. یعنی آبرو، مقبولیت در نزد خدا را بخواه که بهترین چیزی است که کسی می
تواند از خدا بخواهد. کلمه چهارم (بالحسین). یعنی حالا که هدف شناسی را درست انجام دادی راه
شناسی را هم درست کن؛ یعنی به وسیله امام حسین علیه السلام باید خود را فدای دین کرد. کلمه پنجم
(فی الدنيا و الآخرة)، می گویی این آبرومندی در پیشگاه خدا را برای همیشه می خواهم نه موقت و گذرا.
حالا دوباره ببین از خدا چه خواسته ای؟ «وجیه» به کسی گفته می شود که صفاتی مثل تقوا، علم، حکمت،
نور، کرامت، عدالت و امثال آن داشته باشد. اقبال کننده به اهل بیت علیهم السلام، به خاطر معرفت و
ارادت به امام حسین علیه السلام، به یقین رسیده است که در نزد اهل بیت علیهم السلام همه نیازمندی

هایش تأمین می‌شود: (۱ . «آیة مُحْكَمَةً»: در ضیافت و زیارت حضرات معصومین اعتقادات فرد تقویت می‌شود؛ ۲ . «قُضِيَّةٌ عَادِلَةٌ»: اخلاقیات نیکو به او داده می‌شود؛ ۳ . «أَخَا مُسْتَفَادًا»: دوستی مفید و ارزشمند به او داده می‌شود؛ ۴ . «مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ»: هم‌جواری و مجالست با اندیشمندان و علما نصیب او می‌شود.»

پا پس نکش ای دل ز راه عشق و آئینش جان ده برایش تا شوی چشم خداینش
در قرآن کریم می‌خوانیم: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (ال عمران/ ۴۵) و نیز درباره حضرت موسی در قرآن می‌خوانیم: «... وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا» (احزاب/ ۶۹) چه قدر و منزلت و چه مقام و آبرومندی بالاتر از این که پیغمبر (ص) فرمود: «اللهم انی احبهما و احب من یحبهما» (سنن الترمذی ، صفحه ۶۱۵)
یعنی پروردگارا من دوست می‌دارم حسن و حسین را و دوست می‌دارم آن کسی را که دوست می‌دارد آنها را و همچنین فرمود: «أَحَبُّ إِلَهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا» (الإرشاد ، شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۲۷) خداوند دوست می‌دارد هر کسی را که حسین را دوست بدارد.

فراق تو همه درد است ای طبیب من چه می‌شود که تو دردم دوا کنی آقا
گرفته ای ز همان روز ابتدا دستم گرفته ای و محال است رها کنی آقا
بدان امید دهم جان که روز رستاخیز میان آن همه من را صدا کنی آقا

در روایت است که روزی پیغمبر (ص) از راهی می‌گذشت دید طفلی با حسین نشسته اظهار محبت و ملاطفت به او می‌کند پیغمبر (ص) آن طفل را گرفته اظهار مهربانی به او نمودند از آن حضرت علت را سؤال کردند فرمودند: **انی احبه لانه یحب ولدی الحسین لانی راعیت انه یرفع التراب من تحت اقدامه و یضعه علی وجهه و اخبرنی جبرئیل انه یکون من انصار فی دفعة کربلا** . یعنی : من او را دوست می‌دارم به جهت آنکه او پسر من حسین را دوست می‌دارد زیرا که دیدم خاک از زیر قدم های حسین بر می‌داشت و بر چشمان خود می‌مالید و جبرئیل به من خبر داد که این طفل در واقعه کربلا از یاران حسین خواهد بود. پس ما امیدواریم زیرا که حسین علیه السلام را دوست داریم ، پیغمبر خدا هم دوست دار ما می‌گردد و به این سبب هم خدا دوست دار ما می‌گردد. (وسائل المحبین شیخ جعفر ص ۹۷)

شیخ جعفر شوشتری رحمت الله علیه در کتاب وسائل المحبین در محاسبه با نفس خود چنین می‌گوید: «... آیا چقدر اعمال صالحه داریم که در آن ریا و عجب نباشد؟ بنابراین ای نفس نمی‌توانی به خودت وعده دهی و امیدوار باشی که يك عمل تو مورد قبول الهی واقع شده باشد... بعد از آنکه دستم از همه جا کوتاه شد و نفسم را از هر دری مایوس گردانیدم خطاب به او کردم و گفتم ای نفس يك راه نجات برای تو می‌باشد که اگر توانستی ازین راه وارد شوی همه چیز برای تو خواهد بود و **آلا** راهی برای تو باقی نیست و آن باب حسینی است زیرا که جدش پیغمبر فرمود: **حسین مصباح الهدی و سفينة النجاة** بلکه فرمود او بابتی است از ابواب بهشت یعنی هر که دوست حسینم باشد باید ازین در وارد بهشت شود ناگفته نماند که همه امامان ما کشتی نجاتند که فرمود: **مثل اهل بیتی کمثل سفينة نوح من ركب فیها نجي و من تخلف**

عنها غرق . ای نفس آن نجات دهنده حسین است که پیغمبر (ص) درباره اش فرمود: **حسین مصباح الهدی و سفينة النجاة** پس در سفر دریا ما محتاج به کشتی هستیم که لا علاج باید سوار شویم و آن کشتی اهل بیت پیغمبر می‌باشد که فرمود: اهل بیت من کشتی نوح هستند و عجب تشبیه خوبی پیغمبر فرموده چون کشتی نوح وقتی در آب افتاد که دنیای مسکونی آن روز در آب بود فقط کشتی نوح با آنها که در کشتی بودند نجات یافتند امروز هم در دنیای گمراهی و بدبختی فقط کشتی نجات از این مهالك اهل بیت پیغمبرند که فرمود: **من ركب فیها بخي و تخلف عنها غرق** بعد از این گفتگوها نفسم خطاب به من کرده

گفت این مطالبی که شما گفتید بسی مرا امیدوار کرد و بر خود لازم دانستم که خود را به کشتی نجات حسینی برسانم تا او مرا نجات دهد ازین غرقاب مهالك و گمراهی اگر چه همان قسم گفته شد هیچ يك از علائم ایمان در من نیست ولی اگر از باب حسینی وارد شوم مسلماً مؤ من خواهم بود زیرا آن بزرگوار فرمود: **انا قتيل العبرة ما ذكرت عند مؤ من الا بكى و اغتم لمصابى** . یعنی من کشته شده اشك چشمم نزد هیچ مؤ منی یادآور نمی شوم مگر آنکه بر مصائب من گریه می کند و مغموم می شود و این گریه مصائب حضرت سیدالشهداء از صفات جمیع انبیاء بوده است .

اول : چون این را در خود دیدم قدری به خود امیدوار شدم و گفتم يك علامت از علائم ایمان در من پیدا شد، آن هم علامتی که در پیغمبران بوده است .

دوم : علامت خوبی که در خود دیدم این بود که در ایام عاشورا حالت حزن و اندوه و گریه ای برای من پیدا می شد که در سایر ایام سال این حالت در من پیدا نمی شد و دیدم که ائمه ما فرموده اند:

شِيعَتُنَا خُلُقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا وَ عَجُّوا بِنُورِ وَايَتِنَا يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا.

پس يك صفت از صفات شیعیان در من پیدا شد و ممکن است از این راه بگویم من شیعه هستم .

سوم : وقتی که از باب حسینی وارد شدم در خودم کمال ایمان را ملاحظه کردم زیرا در باب زیارت آن حضرت وارد شده که : **من زاره کمن زار الله فى عرشه** . البته که خدا جا و مکانی ندارد پس این عبارت کمال تقرب به خدا را می رساند و این مقام برای کسی که ایمان نداشته باشد و یا ایمانش مستودع باشد ممکن نخواهد بود و یا در اخبار زیارت آن حضرت وارد شده وقتی که زائر مراجعت می کند ملکی از جانب پروردگار به او می گوید که خدایت سلام می رساند و می فرماید عملت را از سر بگیر که گذشته هایت را بخشیدم پس وقتی انسان را خدا سلام می رساند دیگر ممکن نیست که او بی ایمان باشد.

چهارم : اگر چه در اعمال خود نظر کردم دیدم عملی ندارم که باعث نجات من شود و من را به بهشت رساند اما در اخبار باب حسینی که نظر کردم دیدم که فرموده اند: **من بکى او ابكى او تباكى و جبت له الجنة** و در خود دیدم که این حالات در من هست پس خداوند مرا به واسطه حضرت حسین به بهشت خواهد برد پس اگر عملی ندارم که تحویل خدا بدهم که موجب بهشت شود از راه گریه بر حسین علیه السلام به بهشت می روم .

پنجم : در باب زیارت حسین علیه السلام دیدم وارد شده که زائر حسین از شافعان روز محشر درباره ده نفر یا صد نفر پس من گیرم از آن اشخاصی نباشم که صد نفر را شفاعت کنم لااقل ممکن است که نجاتی برای من باشد.

و از جمله فضایل زیارت آن حضرت این است که: زائر آن حضرت از جمله کسانی است که در بالای عرش الهی با خدا تکلم کند من که دارای این مقام نیستم ولی لااقل ممکن است طرف خطاب ملکی واقع شوم و یا به زائر حسینی گفته می شود تو ساقی کوثر باش و دیگران را آب بده پس من به همین قدر قانع هستم که از تشنگان محشر نیستم و از این آیه هم نیستم که در جهنم میگویند: **ان افیضوا علينا من الماء** ای بهشتی ها به ما آب دهید اگر چنانچه نمازهای من قبول درگاه الهی نشود در روایات فضیلت زائر حسین وارد شده که خداوند هفتاد هزار ملك موکل قبر آن حضرت کرده که دائماً نماز می خوانند و ثواب آن را برای زائرین قبر حسین می نویسند نمازی را که ملك بخواند با نمازهای ما خیلی فرق دارد پس ممکن است ثواب اینگونه نمازهای درست دست مرا بگیرد.

اگر چنانچه زکات من قبول نشود یا به واسطه دیگری قبول نشود زائر حسینی زکات دهنده را دارد چه در خبر است که زائر حسین در هر زیارتش ثواب هزار **زکات** مقبوله را دارد.

و اما اگر حج من قبول نشود زائر حسین را ثواب حج و عمره های متعدد به او می دهند در بعضی روایات حسین (ع) مطابق يك عمره است و در بعضی از روایات مطابق يك حج و در بعضی روایات ۲۲ حج و ۸۰ حج و یکصد حج و در بعضی از روایات مطابق صد هزار حج . و در بعضی اخبار زیارت حسین (ع) هر قدمش ثواب يك حج را دارد و در روایت دیگر هر قدمی که بر زمین می گذارد و بر می دارد ثواب صد حج و عمره مقبوله در نامه عملش می نویسند و در بعضی از اخبار ثواب دو حج و در بعضی ثواب سی حج و در بعضی ثواب صد حج و در تمام اینها ثواب حجی که با پیغمبر به جا آورده باشد. بعد باز بالا می رود زائر حسین (ع) ثواب حجی را دارد که خود پیغمبر به جا آورده باشد، بلکه در خبری است که پیغمبر فرمود هر که حسینم را زیارت کند ثواب نود حج و نود عمره ای که من به جا آورده باشم به او خواهند داد این اختلافات روایات برای اختلاف معرفت زائرین خواهد بود.

پس اگر تو هم قبول نشد ممکن است از راه زیارت حسین (ع) ثواب این همه حج در نامه اعمال تو نوشته و ثبت شود.

اما صدقه : در روایت است که زیارت امام حسین (ع) برابر ثواب هزار صدقه مقبوله است .

اما روزه : ثواب زیارت حسین (ع) مقابل اجر هزار صائم و روزه دار را دارد.

اما اعانت در راه خدا در خبر است هر که زیارت آن حضرت را کند مثل کسی است که هزار اسب در راه خدا داده باشد که همه با زین و لجام بوده باشد.

اما جهاد در راه خدا، در خبر است که زیارت حسین (ع) ثواب هزار شهید از شهدای بدر را دارد بلکه در خبر دیگریست که زیارت آن حضرت ثواب هزار بنده آزاد کردن را دارد بلکه در بعضی از روایات هر قدمی ثواب يك بنده آزاد کردن از اولاد اسماعیل را خواهد داشت بلکه وارد شده که از هر قطره زائر خدا هفتاد هزار ملك خلق می کند که تسبیح و تقدیس خدا را کنند و ثوابش را در نامه عمل زائر بنویسند».

ای چرخ غافل که چه بیداد کرده ای	وز کین چها در این ستم آباد کرده ای
بر طعنت این بس است که بر عترت رسول(ص)	بیداد کرده خصم و تو امداد کرده ای
بهر خسیکه بار درخت شقاوتست	در باغ دین چه با گل و شمشاد کرده ای
ای زاده زیاد نکر دست هیچکس	نمرود این عمل که تو شداد کرده ای
با دشمنان دین نتوان کرد آنچه تو کرده ای	با مصطفی و حیدر و اولاد کرده ای
کام یزید داده ای از کشتن حسین (ع)	بنگر که را به قتل که دلشاد کرده ای
ترسم تو را دمی که به محشر درآورند	از آتش تو دود به محشر در آورند.
السلام علیکم یا اهل بیت النبوة	